



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اعمام و احوال/طبقه سوم

بحث درباره اعمام و عمامات و احوال و حالات به عنوان طبقه سوم ارث بود، کسی که فوت کرده از طرف پدر با اعمام و عمامات و از طرف مادر با احوال و حالات مرتبط می باشد و هرکدام از این چهارتا به سه قسمت أبوینی و اُمی تقسیم می شوند که مجموعاً ۱۲ قسم می شوند:

۱- عم أبوینی، ۲- عم اُمی، ۳- عم اُمی

۴- عمه أبوینی، ۵- عمه اُمی، ۶- عمه اُمی

۷- دایمی أبوینی، ۸- دایمی اُمی، ۹- دایمی اُمی

۱۰- خاله أبوینی، ۱۱- خاله اُمی، ۱۲- خاله اُمی.

روایاتی از باب دوم از ابواب میراث اعمام و احوال خواندیم که بین اعمام و احوال فرق گذاشته بود و گفته بود به طرف اعمام دو سوم و به طرف احوال یک سوم داده شود، در اینجا فقهاء ما اقوال مختلفی دارند و تمام اینها مربوط به اجتهاد و استنباط می باشد زیرا ما با چند موضوع مواجه هستیم؛ اول اینکه اصل اولیه در مالی که مورد اشتراک است آن است که بالسویه تقسیم شود مثلاً شخصی مالش را وقف کرده برای اولادش ذکوراً کان أو أنثاءً. دوم اینکه در باب ارث بین زن و مرد فرق وجود دارد "لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ"، سوم اینکه در اول سوره نساء در مورد کلاله اُمی خواندیم که اگر یک نفر بود سلس می برد و اگر بیشتر بودند مرد و زن "شُرَكَاءٌ فِي الثَّلَاثِ" و اما در آخر سوره نساء خواندیم که کلاله أبوینی "لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ" ارث می برند، خب با توجه به این چند موضوع ما باید ببینیم ارث بین اعمام و احوال چگونه تقسیم می شود لذا اول کلام امام رضوان الله علیه را می خوانیم تا ببینیم ایشان چه استنباطی کرده اند، امام رضوان الله علیه

در تحریر الوسیله اینطور فرمودند: «مسئله ۱: لو كان الوارث منحصراً بالعمومة من قبل الأب والأُمّ أو من قبل الأب فالتركة لهم، و مع اختلاف الجنس: " لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ "¹.

مسئله ۲: لو كان الوارث منحصراً بالعمومة من قبل الأم (۱): فالتركة لهم، ومع التعدد واتحاد الجنس (۲): يقسم بالسوية، ومع الاختلاف (۳): لا يترك الاحتياط بالتصالح والتراضي.

مسئله ۳: لو اجتمع (۱): العمومة من قبل الأبوين (۲): أو من قبل الأب مع (۳): العمومة من قبل الأم، فالسلس لعمومة الأم مع الإنفراد، والثالث مع التعدد يقسم بالسوية مع وحدة الجنس، ويحتاط بالصالح مع الاختلاف، والباقي للعمومة من قبل الأبوين أو الأب للذكر ضعف الأنثى مع الاختلاف.

مسئله ۴: لو كان الوارث منحصراً بالخوالة من قبل الأبوين أو الأب فالتركة لهم، ومع التعدد تقسم بينهم بالسوية مطلقاً، وكذا الحال في الخوالة من قبل الأم.².

بنده به ترتیب کلام امام رضوان الله علیه و کلام آیت الله خوئی و مطالبی که خودم قبلاً در رساله نوشته ام را جمع آوری کرده ام که با هم اختلاف دارند و با خواندن آنها مطلب روشن خواهد شد إن شاء الله تعالی ...

بحث اخلاقی:

اسلام تأکید فراوان دارد که سه چیز در جامعه نباشد؛ اول جهل است، همه افراد باید عالم باشند و طلب علم بر هر مسلمان فریضه می باشد. دوم ظلم است، ظلم یعنی تجاوز از حق که برای نمونه رساله حقوق امام سجاد علیه السلام بهترین منبع برای دانستن حقوق می باشد. سوم فقر می باشد که نباید در جامعه اسلامی وجود داشته باشد، یکی از کتابهای خوبی که باید مطالعه کنید "اقتصادنا" تألیف آیت الله سید محمد باقر صدر رحمة الله علیه

¹ سوره نساء، آیه ۱۱.

² تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۴۱۸، ط نشر آثار.

أَطْرَافِكُمْ قَدِ انْتَفَصَتْ، وَإِلَى أَمْصَارِكُمْ قَدِ افْتُسِحَتْ، وَإِلَى مَمَالِكِكُمْ تُرْوَى، وَإِلَى بِلَادِكُمْ تُغْرَى! انْفِرُوا. ^۳.

ترجمه: به خدا سوگند، اگر با ایشان روبرو شوم، من تنها باشم و آنها روی زمین را پر کنند، نه باک دارم و نه هراس، زیرا به آن گمراهی که آنان در آن غرقه اند و آن هدایتی که خود بدان آراسته ام، نیک آگاهم. و از جانب پروردگارم با یقین همراهم. من به دیدار خداوند و ثواب نیکویی که مرا ارزانی دارد، امید بسته ام و منتظر آن هستم.

ولی اندوه من از این است که مشتی بیخردان و تبهکاران این امت حکومت را به دست گیرند و مال خدا را میان خود دست به دست گردانند و بندگان خدا را به خدمت گیرند و با نیکان در پیکار شوند و فاسقان را یاران خود سازند. از آنان کسی است که در میان شما حرام می نوشد، حتی بر او حد اسلام جاری شده و کسی است که تا اندک مالی نستد به اسلام نگرید. اگر نه از حکومت اینان بر شما بیم داشتم، هرگز شما را بر نمی انگیختم و سرزنش نمی کردم و فرا نمی خواندم و تحریضتان نمی نمودم، بلکه تا سر بر می تافتید یا سستی به خرج می دادید، رهایتان می کردم. آیا نمی بینید سرزمینهایی را که در تصرف داشتید، نقصان یافته و شهرهایتان، یک یک، فتح می شود و کشورهایتان از دست می رود و بلادتان مورد حمله و هجوم دشمن قرار گرفته است. روی به رزم دشمنانتان نهد. خدایتان بیامرزد. در خانه ها درنگ مکنید که به ستم گرفتار خواهید شد و به خواری خواهید افتاد و نصیبتان اندک خواهد شد. مردان سلحشور همواره بیدارند که هر که خود به خواب رود، دشمنش به خواب نرفته است. والسلام.

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

می باشد، ایشان در این کتاب درباره این سه موضوع یعنی جهل و ظلم و فقر مطالب بسیار خوبی نوشته و بعدا فرموده چه باید کرد که این موارد در جامعه اسلامی نباشند، یکی از مطالبی که ایشان ذکر کرده مسئله انفال است که فرمودند اگر انفال عملی شود دیگر فقیری باقی نمی ماند، انفال یعنی هر چیزی که مالک شخصی ندارد، تمام معادن و اراضی موات و جنگلها و نی زارها و کل ارض لا رب لها و قله کوه ها و بستر رودخانه ها ذاتاً متعلق به پیغمبر و امام و در زمان غیبت متعلق به نائب مناب امام می باشند و تمام اینها باید در اختیار او باشد و با برنامه ریزی و مدیریت و بهره برداری صحیح از آنها فقر را از بین ببرد، در اسلام ذاتاً فقر وجود ندارد و اسلام طوری برنامه ریزی کرده که فقر و فقیر نباشد و در واقع فقر یک امر عارضی می باشد که علتش عدم عمل به فرامین اسلام می باشد.

خب و اما حضرت امیر علیه السلام در نامه ۶۲ از نهج البلاغه اینطور فرمودند: «إِنِّي وَاللَّهِ لَوُ لَقَيْتَهُمْ وَاحِدًا وَهُمْ طِلَافُ الْأَرْضِ كُلِّهَا مَا بَالَيْتُ وَلَا اسْتَوْحَشْتُ، وَإِنِّي مِنْ ضَلَالِهِمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ وَالْهَدَى الَّذِي أَنَا عَلَيْهِ لَعَلِّي بَصِيرَةٌ مِنْ نَفْسِي وَيَقِينٌ مِنْ رَبِّي. وَإِنِّي إِلَى لِقَاءِ اللَّهِ لَمُشْتَقٌّ، وَحُسْنُ ثَوَابِهِ لَمُنْتَظَرٌ رَاجٍ. وَلَكِنِّي أَسَى (معتل اللام یائی از آسی یأسی از باب افعال و به معنای محزون شدن می باشد) أَنْ يَلِيَّ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا (سفییه کسی است که عقل و درک درستی ندارد، آیت الله طباطبائی در تفسیر المیزان روایات زیادی نقل کرده و سفییه را اینطور معنا کرده که سفییه کسی است که شرب خمر می کند زیرا خمر درک و فهم انسان را پایین می آورد) وَفُجَارُهَا، فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا (دست به دست شدن مال خدا)، وَعِبَادَهُ حَوْلًا، وَالصَّالِحِينَ حَرْبًا، وَالْفَاسِقِينَ حِزْبًا، فَإِنَّ مِنْهُمْ الَّذِي قَدْ شَرِبَ فِيكُمْ الْحَرَامَ، وَجَلِدَ حَدًّا فِي الْإِسْلَامِ، وَإِنَّ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ يُسَلِّمْ حَتَّى رُضِخَتْ لَهُ عَلَى الْإِسْلَامِ الرِّضَائِحُ. فَلَوْلَا ذَلِكَ مَا أَكْثَرَتْ تَأْيِيبِكُمْ وَتَأْيِيبِكُمْ، وَجَمْعَكُمْ وَتَحْرِيبَكُمْ، وَلَتَرَكْتُكُمْ إِذْ أَبِيْتُمْ وَوَيْبْتُمْ. أَلَا تَرَوْنَ إِلَى

^۳ نهج البلاغه، سید رضی، ص ۳۰۷، تنظیم مرحوم دشتی.